

جواب به تحلیل گران فوق رادیکال

جای بسی تاسف است که عده ای تحلیل گر در کمین نشسته اند تا رخداد تازه ای به وقوع به پیوند آنگاه یا در مقام طرفداری و دلسوزی با کلمات قلمبه سلمبه جان فعالین را به مخاطره می اندازند و یا تحت عنوان فوق رادیکال به نقد زحمات فعالین می پردازند. حال اگر کسی شانس داشت و در این راه شهید شد، اسمش در ردیف جانباختگان راه آزادی قرار می گیرد. اگر هم خواست زنده بماند و در میدان مبارزه که همان سازماندهی و رهبری طبقه کارگر در محل کار و زندگی توده های زحمتکش است زیر تازیانه انتقاد اشخاصی قرار می گیرند که خود نه کارگر هستند و نه مبارز.

البته باید حسن نیت عده ای را تحسین کرد، زیرا حداقل در نوشته هایشان به پیشینه و تلاشهای بی وقفه فعالان اشاره ای هر چند کوتاه می کنند، اما نکاتی که لازم است این اشخاص باید بیشتر مطالعه کنند تا نوشته هایشان بر اساس واقعیت انتشار دهند.

کسانی که از دور نظره گر عملکرد رهبران فکری و عملی طبقه کارگر هستند قبل از متهم کردن رهبران باید بیشتر از یک انسان عادی وقایع را موشکافی کنند. اخیرا شخصی بنام علی رمانی مدعی است که حضور محمود صالحی در مراسم ماه مه ۲۰۰۵ با حضور مسئولین نفعی برای کارگران نداشته!! و حضور محمود صالحی در این مراسم کارگران سقز را به چوپان دروغگو تبدیل کرده، و یا مدعی است که رهبران خیلی ساده گول سیاست های رژیم را خوردند یا این که مدعی است رهبر از نظر ایشان کسی است که دست حریف را بخواند و کارگران را در تند پیچهای مبارزه طبقاتی رهبری و عبور دهد!!! این نویسنده نوشته که مسئله اول ماه مه شهر سقز و کارگران و دستگیرشدگان اول ماه مه سال گذشته نه تنها در محدوده یک شهر باقی نماند بلکه به یک مسئله بین المللی تبدیل شد، همه نگاهها به سوی سقز بود و شاید هر کسی دهها بار از خود پرسیده باشد که امسال در سقز چه اتفاقی می افتد ولی امسال سقز آرام بود.

آقای علی رمانی خود خیلی سریع به آن اشاره کرده اید که تمام نگاهها به سوی سقز بود به نظر شما و همفکران این نگاهها چرا به جای دیگری نبود؟ برای این که سقز اولین شهری بود در کشوری که حتی نفس کشیدن جرم محسوب می شود، این رهبران و فعالان کارگری سقز بودند که در طول حیات خود این نگاهها را به سوی سقز جلب کردند. سقز اولین شهری بود که رهبران آن عزم را جزم کردند تا با لباس کفن به خیابانها بیایند، و عملا در برابر نظم سرمایه داری اعلام جنگ کنند. این عزم و اراده رهبران کارگران سقز بود که امسال رسماً از آنان دعوت به عمل می آورد تا مستقل و آزادانه در مراسم شرکت کنند. آقای محترم یا از سوابق کارگران سقز اطلاع ندارید، یا خیلی آگاهانه وقایع را وارونه می کنید. به اشخاصی که هر کدام به نوعی شرکت محمود صالحی را در مراسم تفسیر می کنند، باید گفت که ایشان برای خود تصمیم نمی گیرند. شخص صالحی نبود که انفرادی برای شرکت در مراسم تصمیم بگیرد بلکه کارگران و اعضای شورای هماهنگی اول مه ۲۰۰۴ بودند. زیرا متهم کردن شخصی که در راه مبارزه برای پایان دادن به نابرابری از هیچ کوششی فروگذار نکرده کار کسانی است که ضد کارگر می باشند. اما مطلب این جاست کسانی که از راه دور تلاشهای ما را نظاره می کنند بدون در نظر گرفتن موقعیت زمانی و مکانی و بدون تحلیل از اوضاع مشخص ما را زیر سؤال می برند. لطفاً به ما بگویند، راه کار آنها برای مبارزه در اوضاع کنونی چیست و آیا تا کنون راه کار آنها نتیجه ای داشته است؟ زیرا ما خودمان را از پیکره طبقه کارگر جدا نمی دانیم و جمعیتی ۱۵۰۰ نفره که در سالن کاوه حضور داشتن از نیروهای دولتی نبودند بلکه به استثنای چند نفر از مسئولین همه کارگر بودند و ما سرنوشتی جدا از این کارگران نداریم. ما به آقای رمانی پیشنهاد می کنیم که قبل از این که قضاوت کند، یک نظر سنجی از مردم شهر یا کارگران حاضر در مراسم می کرد تا مشخص شود آیا حضور ما مهر تأیید دمکراتیک بودن جمهوری اسلامی بود یا تبدیل کردن یک مراسم (به قول شما فرمایشی) به مراسم کارگری. ما فعالان کارگری این قضاوت را به کارگران و مردم سقز می دهیم.

پس با وجود این، دعوت مسئولین از ما زرنگی نبود بلکه نتیجه تلاش و فعالیت شبانه روزی ما کارگران در سالهای گذشته بود که مسئولان را واداشت تا میدان را برای ما خالی کنند و ما هم بلافاصله سنگرهای آنان را تصرف کردیم.

جلال حسینی یکی از دستگیرشدگان اول ماه مه ۲۰۰۴ سقز

۱۳۸۴\۲\۲۲